

چگونه کتابخانه اسکندریه ویران شد؟

(۲)

ظهور عیسویت و نابودی موزه

... در همین اوان که موزه اسکندریه آخرین احضات خود را طی می‌کرد عیسویت در فلسطین بظهور رسید و بعد از چند سال باطراف، از آنجمله مصر، وارد گشت، و اولین کلیسا در سال ۶۷ میلادی در اسکندریه بنا گردید و در اثر پیشرفت‌هاییکه در میان طبقات مردم نمود قسطنطین که در سال ۳۰۶ میلادی با امپراطوری رسید باین آئین ایمان آورد و بالاخره «تئوواز» که در سال ۳۷۹ با امپراطوری نائل شد رسماً بطرفداری از این دین برخاست و آئین بت پرستی را لغو کرد و در بت تمام معابد بت پرستانرا بست از آنجمله دستور داد تمام معابد و مجسمه های ارباب انواع و کتابخانه وسایر ساختمانهای موزه اسکندریه که مظهر بت پرستی مصریان بود ویران و نابود سازند و حکم کرد عماراتی که بواسطه کثرت استحکام تخریب آن باسائی ممکن نیست تمام کتیبه های آنرا حاک و محو نمایند (۱)

ثیوفیمس بطریک اسکندریه باین امر اقدام کرد اما فیلسوف اولمباس مردم بت پرست اسکندریه را در یکی از بزرگترین معابد این شهر بنام «سیرابوم» جمع کرد و آنانرا برای دفاع تهییج نمود لیکن این اقدام مفید واقع نشد و بالاخره در سال ۳۹۱ میلادی این عمارات عالیه و باشکوه در ضمن کتابخانه اسکندریه مورد حمله و غارت مسیحیان قرار گرفت و با خاک یکسان گردید (۲).

در این میان کتابهای زیادی از نابودی برکنار ماند ولی بعد از چندی با امر امپراطور همه آنها بشهرهای مختلف از جمله قسطنطنیه انتقال یافت و با این ترتیب آخرین آثار و بقایای این موزه از بین رفت (۳).

غیر از این موزه دو مؤسسه علمیه دیگری که مدرسه غنوطیسین و دیگر مدرسه یهودیها در اسکندریه وجود داشت که بسر نرشت این موزه دچار شده و توسط مسیحین ویران و منهدم گردید (۴)

(۱) تاریخ تمدن مسلمین گوستاواوبون . ۲-۳-۴- دائرة المعارف بستانی .

يك افسانه تاريخي

از مطالعه سطور گذشته روشن گردید که تقریباً از اوایل قرن پنجم میلادی به بعد نه تنها کتابخانه‌های در اسکندریه وجود نداشت بلکه هیچگونه مؤسسات علمی دیگر در آن برقرار نبود فقط مدارس محدودی در این شهر وجود داشت که تنها انجیل و تعلیمات آن در آن تدریس می‌شد پس اینکه میگویند کتابخانه بزرگی در شهر اسکندریه وجود داشت که توسط عمروعاص قائمده سپاه عرب با مرخلیفه وقت نابود گردید افسانه‌ای بیش نیست که از ناحیه بیگانگان بمنظور ملکوت ساختن اسلام ساخته و پرداخته شده است زیرا این کتابخانه قرن‌ها قبل از اسلام توسط مسیحیون ویران گردیده و در هنگام لشکرکشی مسلمان یعنی سنه هجدهم هجری (۶۳۹ میلادی) اثری از آن وجود نداشته است .

برای اولین بار این موضوع یعنی سوختن این کتابخانه توسط مسلمین در قرن سیزدهم میلادی (هفتم هجری) بمیان آمد و در کتابهای تاریخی ذکر شد، از جمله مدارک اصلی واولی که میتوان از آنها نام برد اینهاست :

- ۱ - تراجم الحکماء تألیف قاضی علی بن یوسف قطنی متوفی ۶۴۷ هجری ۲۰ -
- الافادة والاعتبار تألیف عبداللطیف بغدادی متوفی ۶۲۹ هجری ، ۳ - مختصر الدول تألیف مطران حلب ابوالفرج نصرانی متوفی ۶۸۴ هجری ، ۴ - کشف الظنون تألیف حاجی خلیفه
- ۵ - تاریخ مقریزی .

اما این مدارک سند قطعی و معتبری برای این موضوع حساب نمی‌شود زیرا مقریزی عیناً سخنان عبداللطیف را حرف بحرف نقل کرده است و چیزی بر آن اضافه ننموده است و حاجی خلیفه این موضوع را با احتمال و بعنوان اینکه مردمی گویند نقل میکند و دیگر ذکر نمی‌کند براینکه این موضوع حقیقت دارد یا نه و کتاب اخبار الدول ابوالفرج بدو زبان سریانی و عربی بقلم خودش نوشته شده است و موضوع احتراق فقط در اخبار الدول عربی ذکر شده و در سریانی ذکر نگردیده است و این امر برای ما ابهام آمیز است عمده مدارک این موضوع فقط کتاب تراجم الحکماء و کتاب الافادة والاعتبار است که برای آندو هم بنا بقول نویسندگان مدارک تاریخی بدست نیامد زیرا غیر از کتابهای نامبرده در کتب دیگر تاریخی که قبل از اینها حتی در زمان فتح نوشته شده ذکر از موضوع احتراق بمیان نیامده است .

اما جمعی از نویسندگان اروپائی و غیر اروپائی که طرفدار عقیده سوختن کتابخانه اسکندریه توسط مسلمین میباشند در این باره سخنانی دارند که ضعف و ابهام و ساختگی از همه جای آن

پیدا است از آنجمله است نویسنده مشهور جرجی زیدان. او در ضمن بحث از این موضوع از کتاب تراجم الحکما و الافاد و الاعتبار به عنوان تدمیه ترین منابع تاریخی نام میبرد و اعتراف میکند که تا کنون مدرکی برای این دو کتاب دیده نشده است و معلوم نیست این موضوع را از کجا نوشته اند. بعد از اضافه می کند: و اما اینکه کتب مربوط بفتوحات اسلامی متعرض این موضوع نشدند البته علتی داشت ولی احتمال کلی می رود که در کتب مزبور این خبر بوده و همینکه تمدن اسلام ترقی و پیشرفت کرد و مسلمانان ارزش علم و کتاب را دانستند و وقوع این حادثه را بعید دانسته و از این رو خبر مذکور را از کتاب فتوحات حذف کرده اند و شاید علت دیگری داشته است (۱) (دقت کنید).

آقای جرجی زیدان از کجا این حدس را میزند؟ خوب بود حدس برخلاف میزدومی نوشت موضوع احتراق کتابخانه اسکندریه توسط مسلمین فقط در چند کتاب معدودی که آنهم دارای منبع تاریخی نیست ذکر شده است و همین دلیل است برای اینکه این موضوع از یک افسانه سرچشمه گرفته و یا بعدها توسط ایادی مرموزی داخل این کتابها شده است اما چه طور شد که جرجی زیدان این حدس قوی را نادیده گرفته و برخلاف آن میل کرده است؟ معلوم نیست. بهر حال موضوع احتراق کتابخانه اسکندریه توسط مسلمین اصلا حقیقت نداشته و افسانه ای بیش نیست.

تکمیل بحث

نویسنده مقاله با شرح مختصری که در این باره در سطور فوق داده است لازم نمیداند بسط بیشتری در این باره داده شود اما برای اینکه این مطلب کاملا روشن گردد و هیچگونه ابهام و اشکالی برای خواننده عزیز باقی نماند شمه ای از سخنان و مقالات نویسندگان اروپائی و غیر اروپائی را در اینجا نقل میکند:

۱ - بستانی موضوع احتراق را نقل میکند که عمرو بن عاص کتابهای این کتابخانه را بچهار هزار حمام که در آن روزگار در اسکندریه وجود داشت ۱ تقسیم کرد و تمام این حمامها در مدت شش ماه توسط سوزاندن این کتب گرم میگردید ۱ بعد می نویسد لیکن خیلی از حوادث و دلایل وجود دارد که این مسئله را بکلی نقض می کند بعد از آنکه قسمتی از این حوادث را شرح میدهد مینویسد: همها اینها ثابت می کند که کتابخانه اسکندریه قبل از فتح شدن این شهر بدست مسلمین ویران شده بود ۱ (۲)

۲ - یکی از نویسندگان بعد از نقل این مطلب می نویسد: اگر این مطلب راست باشد و

فرض کنیم هر روز در هر حمام صد جلد کتاب میسوزانند باید تعداد این کتابها ۷۲ میلیون مجلد باشد کدام کتابخانه است که در عالم دارای این مقدار کتاب بوده باشد و کدام عاقل است که این مطلب را تصدیق کند؟ (۱)

۳ - ژوزف ماک کاپ بعد از شرح ویرانی این کتابخانه بدست رومیها می نویسد ... اکنون با توجه به حقایق تاریخی مزبور خیلی بی معنی و از روی کمال بی اطلاعی است که بگویند مسلمین چهار هزار گرامه را در شش ماه با کتب آن گرم کردند زیرا این کتابخانه مدت‌ها قبل از ورود مسلمین خالی و ویران شده بود و فقط از میان مردم متمدن آن زمان جمعی از کلمیها خیلی از کتب را بدست آورده و بر تمدن گمشده اسکندریه توجه و زاری مینمودند (۲)

۴ - سدیو در کتاب خود بنام خلاصه تاریخ عرب می نویسد دلیل بر ساحتگی این مطلب این است که در تواریخ متقدمین از قبیل طبری ، یعقوبی ، کندی ، ابن عبدالحکیم ، و بلاذری ذکر می‌آید از آن بمیان نیامده است (۳)

۵ - گیبون در کتاب خود بنام تاریخ سقوط امپراطوری روم می نویسد عجیب این است که این مطلب را مردمی از اطراف ما (مراد ابوالفرج است) می‌نگارند ولی دومورخ مصری که اقدم آنها بوتیخوس است و تاریخ اسکندریه را در قرن ششم (میلادی) نوشته است ذکر نکرده است (۴) .

۶ - دائرة المعارف قرن نوزدهم بعد از آنکه این مطلب را نقل میکند و شرحی در پیرامون آن میدهد می نویسد: از چیزهایی که باعث تأسف است این است که معتقدین بسوختن این کتابخانه توسط اعراب هیچ گونه دلیلی برای اثبات مدعای خود نیاورده‌اند (۵)

۷ - گوستا و لوبون می نویسد راجع بسوزاندن کتابخانه اسکندریه که عمر را بآن متهم کرده‌اند همین قدر می نویسیم که يك همچو حرکت وحشیانه مخالف با وضع و عادات این فاتحین اسلامی بود. در عصر حاضر بطلان این عقیده بدرجه ای ثابت و محقق شده که دیگر محتاج به تحقیق و اثبات زائدی نیست این مطلب بطور کلی معلوم و مبرهن گردیده که قبل از اسلام خود نصاری همانطوریکه همه معابد و خدایان اسکندریه را بانهایت اهتمام منهدم نمودند کتابخانه مزبور را هم بر باد دادند و از کتب مزبوره در زمان مسلمین چیزی باقی نمانده بود تا آنرا بسوزانند

۱- جلد اول دائرة المعارف وجدی ۲ - عظمت مسلمین .

۳ - دائرة المعارف فرید وجدی جلد اول .

۴ - و ۵ - دائرة المعارف وجدی جلد اول .

زمانیکه دیانت مسیح‌مذهب رسمی مملکت گردید آنوقت تئودوز امپراطور مسیحی حکم کرد تمام مابذ و مجسمه‌های خدایان و کتابخانه بت پرستان را با خاک یکسان نمودند (۱) .

۸ - جان دیون پورت انگلیسی می‌نویسد: این پوچترین و بیهوده ترین تهمتی است که مخالف عقل است و بعد دلایل چندی در رد این تهمت اقامه میکند سپس می‌نویسد ولی اگر تصور کنیم که این مسئله حقیقت دارد و عر بها کتابخانه اسکندریه را سوزاندند پس بچه دلیل آنهائیکه بر این عمل خورده میگیرند نسبت به عمل «کار دینال گزی منس» که کلیه کتابهای عربی را در زمینه تاریخ و طب و کشاورزی نوشته شده بود به بهانه اینکه همه آن کتابها مربوط بقرآن هستند سوخت ، اظهار نفرت نکردند؟ (۲) .

۹ - فرید وجدی بعد از آنکه چند صفحه در این زمینه بحث کرده و سخنانی از دیگران نقل نموده است خود ادله متعددی اقامه کرده است از آن جمله می‌نویسد : از سیرت عرب در فتوحاتش این نبوده است که کتابها را نابود کند و با آتش بسوزاند اینان سوریه و فارس را قبل از مصرف کردن و از آنها روایت نشده است که کتابها را نابود کرده و یا آثاری را با آتش و زانده باشند (۳)

علت این شایعه

در اینجا لازم است علت شیوع این افسانه مشهور را ذکر کنیم : همانطور که یکی از نویسندگان موشکاف می‌نویسد: علت جهانگیر شدن این افسانه سازگار بودن آن با پرده پوشی از وحشی گری رومیها بود باین معنی که چون نویسندگان اروپائی برای پرده پوشی از عمل وحشیانه رومیها در سوزاندن کتابخانه اسکندریه در دوران ژولیوس قیصر و دیگران وسیله ای نداشتند این افسانه را نشر دادند و اعراب را بآن متهم نمودند .

«پایان»

۱ - تمدن اسلام و عرب ۲۰ - محمود قرآن ۳ - جلد اول دائرة المعارف وجدی .

گمشده دانشمندان

علی علیه السلام میفرماید :

ضالة الحکیم الحکمة ، فهو یطلبها حیث کانت .

ضالة الجاهل غیر موجودة .

: گمشده دانشمندان علم و دانش است که در همه جا بدنبال آن

میکردند اما گمشده نادانها هرگز وجود ندارد (همیشه

بدنبال موهومات و مطالب غیرواقعی هستند !)